



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلسه: ۲۵

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۰۲

درس: فقه بورس و اوراق بهادار

موضوع: احکام مربوط به سهام

استاد: علی عندلیبی حفظه الله

احکام مربوط به سهام

اشکال به مسئولیت محدود شرکاء بنا بر شریک بودن سهامداران در اموال

یکی از مبانی در مورد ماهیت سهام، که برخی از فقهاء قائل به آن هستند، عبارت بود از این که، سهامداران به مقدار پولی که برای سهام، پرداخت کرده‌اند، به همان میزان مالک دارایی‌ها و کالاهای شرکت می‌باشند و لذا به صورت مشاع، شریک هستند. این مبنا بر اساس ظاهر ماده ۱ و ماده ۲۴ می‌باشد، که ما به عنوان احتمال ششم، در مباحث قبلی به عنوان «شریک در سرمایه» مطرح نمودیم.

البته این مبنا تفاوتی هم با شرکت فقهی دارد و آن این است که در شرکت فقهی، خود شرکاء کار انجام می‌دهند ولی در شرکت سهامی، هر فرد پولی در میان می‌گذارد ولی شرکت سهامی که شخصیت حقوقی است به همراه همه توابعش مثل هیئت مدیره و مدیرعامل و..، عامل و اجیر این سهامداران می‌باشد و برای آن‌ها کار انجام می‌دهد. بر اساس این مبنا مشکلی در شرکت سهامی ایجاد می‌شود و آن این است که: در ماده ۱ این طور آمده است:

شرکت سهامی، شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام، محدود به مبلغ اسمی سهام آن‌ها است.

پس بر اساس این ماده، سهامداران مسئولیت مطلقه ندارند بلکه مسئولیت محدود دارند. و همچنین در ماده ۲۴ آمده است که:

سهام قسمتی از سرمایه شرکت سهامی است، که مشخص میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت یا شرکت سهامی می‌باشد.

که در این صورت نیز به همان میزان سهمی که دارد، در تعهدات مسئولیت دارد.

حال بر اساس این مبنا، در این دو ماده بر اساس برداشتی که عموم از این دو ماده دارند که عبارت است از اینکه:

همان پولی که سهامداران در شرکت قرار داده‌اند، در صورتی که شرکت بر شکست شود، از دست سهامداران همان پول می‌رود و بیش از آن بدهکار نیستند، و لذا قبلاً نیز این مثال بیان شد که در فرضی که شرکتی که ۵ میلیارد سرمایه دارد، به صورت نسبی، یک کشتی کالا به ارزش ۱۰ میلیارد از کارخانه‌دار خریداری نموده است ولی در بین مسیر تمامی کالاها غرق شدند، به طوری که دیگر برای شرکت هیچ دارایی‌ای باقی نمی‌ماند و به صورت کامل بدهکار شد، در این صورت بر اساس ظاهر این دو ماده، تنها به میزان دارایی شرکت (۵ میلیارد) از دست سهامداران می‌رود و پولشان می‌سوزد ولی مابقی (۵ میلیارد دیگر) از جیب فروشنده (کارخانه‌دار) رفته است و سهامداران مسئولیتی در قبال آن ندارد و علاوه بر پولی که سهامداران برای خرید سهام داده بودند، ضرر دیگری متوجه سهامداران نمی‌شود.



بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۲۵

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۰۲

درس: فقه بورس و اوراق بهادار

موضوع: احکام مربوط به سهام

استاد: علی عندلیبی حفظه الله

اشکال

این خلاف موازین فقهی است که فقها در بحث شرکت مطرح کرده‌اند، یعنی نمی‌شود از یک طرف گفته شود که سهامداران، شریک هستند و با اموال این افراد خرید و فروش صورت می‌گیرد ولی از طرف دیگر اگر ضرر متوجه آن‌ها، شود تنها به میزان سرمایه-شان مسئول هستند و مازاد به آن‌ها مربوط نمی‌شود.

که در این صورت ماده ۱ و ۲۴ خلاف شرع می‌شود فلذا باید همانند سایر شرکت‌ها، مسئولیت محدود به مبلغ اسمی سهام سهامداران نشود بلکه تمامی بدهی متوجه تمامی سهامداران می‌باشد، یعنی در مثال قبلی، علاوه بر این که ۵ میلیارد سرمایه سهام داران از بین می‌رود، هر کدام به میزان سهمی که داشته‌اند، در مقابل ۵ میلیارد باقی مانده، بدهکار می‌شوند.

پس بر اساس این مبنا که سهامداران شریک در اموال باشند، ماده ۱ و ۲۴ خلاف شرع می‌شود و باید از قانون تجارت حذف شود، در حالی که در عمل و در عالم خارج نیز همین گونه است یعنی سهامداران بیش از مبلغ اسمی سهامی که دارند، مسئولیتی نسبت به ضررهای شرکت ندارند و اگر همه سهامشان در مقابل ضرر از بین برود، در هیچ صورتی بدهکار به کسی نمی‌شوند.

البته در مباحث قبلی گفته شد، که ماهیت سهام، این گونه نیست و لذا نباید شرکت سهامی را مثل شرکت فقهی معنا کرد - خود این اشکال قرینه‌ای بر اشتباه بودن این مبنا می‌باشد - ولی اگر کسی بر این مبنا اصرار داشته باشد، باید متوجه این اشکال باشد و ماده ۱ و ۲۴ را اصلاح نماید.

جواب

ممکن است گفته شود که این دو ماده خلاف شرع نیستند، زیرا که شخصی که طرف معامله با شرکت قرار می‌گیرد (کارخانه‌دار) با توجه به این دو ماده، وارد معامله شده است و لذا این دو ماده، همچون شرط مبنایی می‌شوند و کارخانه‌دار بر اساس این شرط مبنایی کالای خود را به شرکت می‌فروشد، و لذا اگر ضرر کرد، خود او اقدام به ضرر کرده است فلذا موازین فقهی نیست که سهامداران ضرری متحمل نشوند.

مناقشه در جواب

در جواب گفته می‌شود که:

مسئله دارای سه فرض می‌باشد:

فرض اول: سهامداران با یکدیگر شرط می‌کنند که مسئولیت‌شان در شرکت محدود باشد، یعنی با یکدیگر قرار گذاشته‌اند که در شرکتی که تأسیس کرده‌اند، بیش از ارزش اسمی سهامشان، مسئولیتی نداشته باشند:

در این صورت، این شرط بر خلاف شرع است، زیرا که شرط بر علیه دیگران است، زیرا که در حقیقت معنای این شرط این است که هر کسی به ما کالایی فروخت، اگر بر شکست شدیم، ما شرط می‌کنیم که چیزی به فروشنده پرداخت نکنیم و بدهی خود را نپردازیم، این شرط نافذ نیست زیرا که در واقع تحلیل حرام است، بنابراین این شرط محقق نمی‌شود.

فرض دوم: شرط شرکاء نیست بلکه قانون آمره این گونه است یعنی قانون گذار این شرط را تحمیل می‌کند، در این صورت نیز باید گفت که این قانون برخلاف شرع است زیرا که قانون جعل کرده است. که اگر کسی بدهکار به دیگری شود، می‌تواند بدهی خود را ندهد.



بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۲۵

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۰۲

درس: فقه بورس و اوراق بهادار

موضوع: احکام مربوط به سهام

استاد: علی عندلیبی حفظه الله

پس طبق این دو فرض، چنین شرطی خلاف شرع است و نافذ نیست، پس تنها یک فرض باقی می ماند که باید بررسی شود: **فرض سوم:** سهامداران که شریک می باشند، خریدار هستند، با طرف مقابل که فروشنده است در ضمن عقد، شرط می کنند که اگر کالا را به صورت نسبی به ما فروختید ولی کالا از بین رفت، شما بیش از سرمایه موجود در شرکت، طلبکار نیستید و باقی مانده طلب شما، ساقط خواهد شد. (یا به صورت شرط ضمن عقد یا به صورت شرط ارتكازی و مبنایی) که در این فرض نیز، به دو صورت می توانند شرط کنند: شرط نتیجه و شرط فعل شرط فعل: اگر شرکت بر شکست شود، طلبکاران به میزان سرمایه، از اموال شرکت بر می دارند و مابقی طلب خود را ابراء کنند. شرط نتیجه: اگر شرکت بر شکست شود، خود به خود ما زاد بدهی طلبکاران ساقط می شود.

اشکالات مشترک (بین شرط فعل و شرط نتیجه)

اولاً چنین شرطی به صورت ضمن عقد وجود ندارد.

ثانیاً به فرض این که چنین شرطی به صورت ارتكازی ادعا شود، باید گفت که این شرط عموم ندارد و شامل تمام کسانی که با شرکت وارد معامله می شود، نمی گردد زیرا که چه بسا افرادی که وارد معامله با شرکت می شوند ولی اصلاً توجه به این امور، شرط و لوازم مواد قانونی ندارند و لذا چون التفاتی به این موارد ندارند، نمی توان ادعا کرد که در حق آنها نیز چنین شرط ارتكازی ای وجود دارد، پس نمی توان به صورت مطلق گفته شود که: هر کسی طلبکار از شرکت شد، تنها به میزان سرمایه شرکت از شرکت طلب خواهد داشت. و این عموم بر خلاف شرع می شود و تا این جا فقط در صورتی که طرفین توجه به این شرط ارتكازی داشته باشند، از این جهت خلاف شرع رخ نمی دهد.

اشکال به شرط فعل

اگر شخص مقابل به شرط عمل نکند و فعل را انجام ندهد یعنی ابراء نکرد و بلکه طلب خود را از شرکت طلب کرد، در این صورت هر چند که این شخص خلاف شرع انجام داده است ولی همه سهامداران بدهکار به او می شوند و تنها می توان گفت که از آن-جایی که طرف مقابل به شرط خویش، عمل نکرده است، شرکت حق فسخ دارد ولی باید توجه داشت که اگر معامله را فسخ کند نیز باید مبلغ کالا را به صورت کامل به فروشنده بپردازد یعنی همچنان تمامی سهامداران به بیش از مقدار سهام شان، بدهکار می شوند.

اشکال به شرط نتیجه

آیا در مواردی که شخصی بدهکار می شود، اگر شرط شود که به صورت خود به خود، بدهی ساقط شود، بدون این که طلبکار ابراء کند، آیا چنین چیزی رخ می دهد؟ یعنی با توجه به این که موارد صحت شرط نتیجه متفاوت است، این مطلب باید اثبات شود که سقوط طلب نیز با شرط نتیجه محقق می شود، یعنی باید بحث شود که سقوط طلب نیز از اموری است که با سبب خاص محقق می-شود یا نیازی به سبب خاص ندارد؟ و از آن جایی که می دانیم که ادای دین و ابراء موجب سقوط دین است، باید بحث شود که «شرط» نیز موجب سقوط دین می شود؟

و در صورتی که شک داشته باشیم، نمی توانیم به «المؤمنون عند شروطهم» تمسک کنیم و نفوذ این شرط را اثبات کنیم، زیرا



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلسه: ۲۵

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۰۲

درس: فقه بورس و اوراق بهادار

موضوع: احکام مربوط به سهام

استاد: علی عندلیبی حفظه الله

که باید بررسی شود که ادای دین نیز سبب خاص دارد یا خیر؟ و اگر اثبات شود که موردی سبب خاص ندارد، شرط نتیجه نافذ است، ولذا شبهه مصداقیه نفوذ شرط می‌شود و نمی‌توان به عموم تمسک کرد.

این شبهه ای بود که در مورد مسئولیتی که در ماده ۱ و ۲۴ بر عهده شرکاء قرار داده شده است، می‌توان مطرح نمود. البته بر اساس این مبنا می‌توان در مورد سایر احکام نیز اشکالاتی را مطرح نمود، مثل فرضی که یکی از سهامداران مهجور یا مفلس شده باشد، که در این صورت حق تصرف در اموال خودش را ندارد ولی با این حال، شرکت به فعالیت‌های خودش ادامه می‌دهد، در صورتی که شرکت به عنوان عامل، حق تصرف در اموال (مشاع) این شخص سهامدار را ندارد، یا این حکم که «در صورتی که یکی از شرکاء فوت کند، شرکت (شرکت فقهی) باطل می‌شود» ولی در بحث ما (شرکت‌های سهامی) این‌گونه نیست بلکه ورثه جایگزین می‌شوند.

خرید و فروش سهام به صورت قرارداد خرید اعتباری

یکی دیگر از احکامی که پیرامون «سهام» می‌توان مطرح کرد، مشروعیت خرید اعتباری سهام است. خرید اعتباری یا همان قرارداد خرید اعتباری، مصوبه‌ای در سازمان بورس دارد، که ظاهراً در سال ۹۱ تصویب شده است، در این مصوبه تعریف و دستورالعمل خرید اعتباری آمده است:

«قرارداد خرید اعتباری: قراردادی است که بین مشتری و کارگزار به منظور تخصیص اعتبار از طرف کارگزار به مشتری منعقد می‌شود و شرایط تخصیص اعتباری و حقوق و تعهدات طرفین بر اساس آن مشخص می‌شود».

«خرید اعتباری: خرید اوراق بهادار توسط کارگزار به سفارش مشتری برای وی است که کارگزار بر اساس قرارداد خرید اعتباری قسمتی از ثمن معامله را تا سقف اعتباری تخصیص^۱ پرداخت و معادل مبلغ پرداختی را به بدهی تجاری مشتری منظور می‌نماید، تسویه این بدهی تابع قرارداد خرید اعتباری است».

بنابراین قرارداد خرید اعتباری بین کارگزار و مشتری می‌باشد یعنی کسی که قصد خرید سهام دارد، با کارگزار قراردادی منعقد می‌کند تا اعتباری به او تخصیص پیدا کند و سپس مشتری به واسطه آن اعتباری و پول دیگری که دارد، سهام خرید می‌کند.

ولذا کسی که مشتری سهام یا کالا می‌باشد ولی پول کافی ندارد، در ابتدا با کارگزار قراردادی منعقد می‌کند (مثلاً یک میلیون پول دارد ولی می‌خواهد دو میلیون فلان سهام را خریداری نماید، بنابراین با کارگزار قرارداد خرید اعتباری می‌بندد، که کارگزار نیز به او یک میلیون اعتبار تخصیص بدهد که بتواند با مجموع این اعتبار و یک میلیونی که از قبل داشته است، دو میلیون سهام خریداری نماید) و بعد از انعقاد قرارداد خرید اعتباری، کارگزار اعتبار را به مشتری تخصیص می‌دهد و سپس کارگزار با این اعتبار و پول دیگری که مشتری پرداخت می‌کند، برای او سهام خریداری می‌نماید.

۱. که در قرارداد خرید اعتباری، مشخص شده است.



بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۲۵

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۰۲

درس: فقه بورس و اوراق بهادار

موضوع: احکام مربوط به سهام

استاد: علی عندلیبی حفظه الله

ولی ابهاماتی در این زمینه وجود دارد:

ابهام اول

بر اساس این مصوبه، طرف حساب در قرارداد خرید اعتباری، کارگزار با مشتری است ولی در مصاحبه‌ای که آقای مجید پیره (دبیر کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار) این طور گفته است که:

«بر مبنای روشی که اخیراً در کمیته فقهی تصویب شده است، شرکت کارگزاری به عنوان حق‌العمل کار بانک، خط اعتباری را از بانک دریافت کرده و در اختیار مشتری خود قرار می‌دهد و مشتری شرکت کارگزاری با بانک در خرید سهام یا اوراق بهادار موضوع قرارداد، شریک هستند و به صورت مشارکتی دارایی را خریداری می‌کنند و در پایان سررسید مشارکت، مشتری ملزم است یا سهامی را که به صورت مشارکتی خریداری کرده است، بفروشد و با بانک تسویه کند و یا این که سهم شرکت بانک را به قیمتی که در ابتدای قرارداد توافق می‌کنند، از بانک خریداری و با بانک تسویه کند؛ بنابراین در رویکرد جدید، خرید اعتباری سهام بر مبنای قرارداد مشارکت معنا می‌شود و بانک و مشتری در خرید دارایی موضوع قرارداد سهیم هستند و با یکدیگر مشارکت می‌کنند».

ظاهراً مفاد مصوبه و این مصاحبه با یکدیگر متفاوت هستند، زیرا که مفاد مصوبه این است که: قرارداد بین کارگزار و مشتری است و کارگزار تخصیص اعتبار می‌دهد و اصلاً حرفی از بانک در میان نیست و شخص به خود کارگزار بدهکار می‌شود ولی در مصاحبه «بدهکاری» مطرح نشده است بلکه بحث «شراکت» را مطرح کرده است که شخص و بانک با یکدیگر شریک می‌شوند ولی در مصوبه، شخص با کارگزار شریک نمی‌شود.

در مصاحبه گفته شده که کارگزار صرفاً عامل بانک است و بانک و مشتری، شریک می‌شوند ولی در مصوبه، کارگزار طلبکار از آن شخص می‌شود و چیزی به نام شرکت رخ نمی‌دهد و لذا اگر اعتبار را شامل انواع تسهیلات بدانیم، باید گفت که شرکت جزو تسهیلات در این مصوبه نیست.

پس ابهام اول در این بحث این است که حقیقت خرید اعتباری بر اساس مصوبه، بدهی است ولی بر اساس مصاحبه، شرکت است.

ابهام دوم

در مصوبه، طرف حساب کارگزار است ولی بر اساس مصاحبه کارگزار صرفاً حق‌العمل کار است و طرف حساب بانک می‌باشد.

مشروعیت خرید اعتباری

علی ای حال باید طبق دو مبنا، مشخص شود که خرید اعتباری مشروع است یا خیر؟

بر اساس آن چه در مصوبه آمده است، باید گفت که:

قراردادی که بین کارگزار و مشتری منعقد می‌شود، باید مشخص شود که صرفاً وعده و وعید است و شرط ابتدایی است یا اینکه این قرارداد نوعی معامله و معاوضه است، یعنی طرف مقابل در مقابل پولی که از مشتری می‌گیرد، متعهد شده است، شبیه قرارداد آتی و حق اختیار معامله؛ و لذا همان ابهامات و اشکالاتی که در بحث از قرارداد آتی و... بود، در این جا نیز مطرح است و لذا مبهم است که این قرارداد، چه نوع تعهدی می‌باشد، آیا تعهد شرکت است که در مقابل تعهد مشتری قرار دارد یا این که تعهد شرکت است که در مقابل



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلسه: ۲۵

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۰۲

درس: فقه بورس و اوراق بهادار

موضوع: احکام مربوط به سهام

استاد: علی عندلیبی حفظه الله

حق مشتری قرار دارد، یعنی کارگزار تعهد می‌دهد که به میزانی که مشتری درخواست کند به او وام دهد یا مضاربه دهد یا به عنوان یکی دیگر از تسهیلات بانکی قرار بگیرد، و به خاطر همین ابهام، برای ما واضح نمی‌شود که آیا داخل در قرارداد عقلانی می‌شود که عقد محسوب شود و مشمول ادله «اوفوا بالعقود» شود؟ زیرا که صرفاً در این جا نوشته شده است که در قرارداد خرید اعتباری، اعتبار تخصیص داده می‌شود ولی مشخص نشده است که عوض و معوض چه چیزی می‌باشند آیا تعهد است یا مال است؟! از این جایی که این ابهام در مسئله وجود دارد، نمی‌توان حکم فقهی آن را نیز مشخص کنیم. ولی اگر قرارداد خرید اعتباری را به این صورت تصویر کردیم که صرفاً مقدمه تخصیص اعتبار است و اصل همان تخصیص اعتبار است.

حال باید مشروعیت این تخصیص اعتبار را بررسی کنیم:

مشروعیت تخصیص اعتبار

ابتدا باید مشخص شود که تخصیص اعتبار به چه نحوی می‌باشد، آیا به صورت شرکت است یا مضاربه یا جعاله یا نقد و نسیه یا قرض و... است؟ یعنی بر اساس کدام یک از عقود اسلامی، اعتبار تخصیص می‌یابد. بر اساس مطالبی که ذیل مصوبه آمده است، مشخص می‌شود که تخصیص اعتبار به صورت شرکت نمی‌باشد، لذا یا قرض است که در این صورت اگر در مقابل آن بخواهد پول بگیرد، قرض ربوی می‌شود که هم بر خلاف موازین قانونی کشور است (و در خود مصوبه نیز آمده است که باید موازین قانونی کشور رعایت شود) و هم بر خلاف شرع است. مگر این که ادعا شود که قرض الحسنه است که باید در جواب بگوییم که این ادعا بر خلاف واقع است زیرا کارگزار بدون چشم داشت و صرفاً برای رضای خدا، قرض الحسنه نمی‌دهد.

پس باید به صورت مضاربه و جعاله و امثال این موارد، تخصیص اعتبار رخ بدهد یعنی پولی که شرکت (کارگزار) به عنوان تخصیص اعتبار، به مشتری می‌دهد برای این است که مشتری با این پول کار کند، خرید و فروش کند و بعد از این مشتری، صاحب مال را وکیل می‌کند که از طرف او خرید و فروش نماید، یعنی هر چند مشتری عامل است و مالک پول و کسی که مضاربه می‌دهد، شرکت است ولی عامل، مالک سرمایه را وکیل می‌کند و لذا شرکت به عنوان وکیل عامل، اقدام به خرید و فروش می‌کند. ولی شبهه ای که در بحث مضاربه باقی می‌ماند این است که اگر فرض شود که در این جا مضاربه رخ داده است، با ادامه آن چه در مصوبه مطرح شده است، سازگاری ندارد، زیرا که در ادامه آمده است که «به بدهی تجاری مشتری منظور می‌نماید» در صورتی که مشتری در این فرض بدهکار به شرکت نیست بلکه عامل کارگزار است و عقد مضاربه منعقد کرده اند و لذا اگر عقد مضاربه منعقد شده است، در مصوبه نباید نوشته شود که «به بدهی تجاری مشتری منظور می‌شود» یا «تسویه این بدهی» زیرا که واژه «بدهی» بار حقوقی خاص دارد که به عامل صدق نمی‌کند.

پس از طرفی این قرارداد را نمی‌توان عقد شرکت فقهی قلمداد کرد و از طرفی مضاربه نیز با ذیل مصوبه سازگاری ندارد، همچنین اشکال دیگری که در فرض مضاربه بودن این عقد وجود دارد این است که: اگر مشتری سهام را خریداری کند و ضرر کند و یا بدون کوتاهی، همه سهام از بین رفت، دیگر تسویه بدهی نخواهد داشت، در حالی که در این مصوبه و در عالم خارج این گونه



بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۲۵

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۰۲

درس: فقه بورس و اوراق بهادار

موضوع: احکام مربوط به سهام

استاد: علی عندلیبی حفظه الله

است که حتی اگر مشتری ضرر هم کرده باشد، باید تمام بدهی را پس بدهد، پس این مطلب نیز شاهد می شود که یا منظور مضاربه نیست و اگر منظور مضاربه است، باید گفت چنین عقد مضاربه ای خلاف شرع است.

پس مضاربه بودن این عقد از طرفی با مصوبه ناسازگار است و از طرف دیگر خلاف شرع است. و همین اشکالات در فرضی که این قرارداد به صورت «جعلیه» تصویر شود، مطرح است یعنی اگر شرکت کارگزار بگوید «هر کسی با پول من، سهام بخرد و سود کند، فلان مقدار به او خواهیم داد» در این جا نیز نباید از تعبیر «بدهی» استفاده شود و همچنین در جعلیه اگر حتی ضرر کند، همچنان مدیون به طرف مقابل است.

پس ظاهر این مصوبه این است که این قرارداد، چیزی به جز «قرض» نمی باشد ولی با سایر عقود مثل «شرکت، مضاربه و جعلیه» سازگاری ندارد، و حال که قرض است، اگر سود بگیرد، قرض ربوی می شود و اگر سود گرفته نشود، از بحث خارج است زیرا که خرید اعتباری که در خارج انجام می شود، سود دارد، زیرا که هر چه سود به دست آورد باید به طرف مقابل بدهد. پس بر اساس این مصوبه، تخصیص اعتبار و قرارداد خرید اعتبار دچار شبهه می باشد و نمی شود به آن اعتماد کرد.

(نکته: حقیقت اعمال به قصدها می باشد و نمی توان با صرف عوض کردن نام، ماهیت افعال و معاملات مان را تغییر دهیم مثل این که دو نفر که قصد دارند قرض ربوی بدهند، اسم کارشان را بگذارند، هدیه معوضه!! با این کار قرض ربوی منتفی نخواهد شد).

اما بر اساس آن چه در مصاحبه دبیر کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار آمده:

ایشان گفتند که بین بانک و مشتری قرارداد شرکت منعقد می شود و شرکت کارگزاری واسطه می شود و لذا مشتری و بانک با یکدیگر شریک می شوند و لذا هر دو طرف باید کارگزاری را وکیل قرار دهند که از طرف آن ها سهام خریداری نماید؛ در این صورت نیز فی نفسه اشکال ندارد ولی به شرط که این شرایط اعمال شود. یعنی بر اساس این قرارداد اگر ارزش سهام کم شد، از جیب هر دو شریک رفته است، نه این که فقط از جیب مشتری رفته باشد، در حالی که در واقعیت این گونه است که در خرید اعتباری، بانک همه پول را در نهایت از مشتری می گیرد و لو مشتری متضرر شده باشد.

پس این توجیه صرفاً امری تصویری است و در واقعیت شراکتی بین بانک و مشتری رخ نمی دهد.

پس از این طریق نیز نمی توان شبهه خرید اعتباری را بر طرف کرد، مگر این که به صورت شرط ضمن عقد (ضمن همان عقد یا عقد دیگری) بیان کنند که اگر مشتری ضرر کند نیز باید معادل همان مقداری که در فرض سود کردن، قرار است در نهایت به بانک بدهد، به بانک پرداخت کند. ولی این مطلب دیگر جدای از بحث مشارکت می باشد زیرا مقتضای مشارکت این است که فایده و ضرر برای هر دو باشد.

البته نباید گمان شود که تمامی سهام خریداری شده برای مشتری است بلکه باید توجه داشت که به صورت شراکتی، سهام خریداری شده است، زیرا که در مصوبه نیز چنین آمده است که:

«خرید اعتباری سهام یکی از روش هایی است که برای تأمین مالی خرید سهام، مورد استفاده قرار می گیرد و مطابق این



بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه: ۲۵

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۰/۰۲

درس: فقه بورس و اوراق بهادار

موضوع: احکام مربوط به سهام

استاد: علی عندلیبی حفظه الله

دستورالعمل، مشتریان شرکت های کارگزاری می توانند علاوه بر مبلغ آورده خودشان، از خط اعتباری که شرکت کارگزاری در اختیار آنها قرار می دهد، استفاده کرده و با مجموع نقدینگی ای که در اختیار دارند، نسبت به خرید سهام یا سایر ابزارهای مالی در بازار سرمایه اقدام کنند.»

نتیجه: قرارداد خرید اعتباری دچار شبهه و مشکل می باشد و تا این جا وجه شرعی برای آن قابل تصویر نیست، مگر با شرط خارجی آن را تصحیح نمایند.

مسأله بعدی: بررسی قرارداد باز خرید

شرکت ها یا تجار و... برای تأمین نقدینگی، قرارداد باز خرید با بانک یا ارگان دیگری منعقد می کند.

در جلسه بعد، مشروعیت این قرارداد را از حیث فقهی بررسی می کنیم.